



Areas for Resolving Conflicts between Medical and Pharmaceutical Laws through Achieving Uniform Legal Rules

Shokoofeh Sanei¹, Mehdi Fallah Kharyeki^{1*}, Mahboobeh Rouhi²

1. Department of Law, Ayatollah Amoli Branch, Islamic Azad University, Amol, Iran.

2. Department of Political Sciences, Ayatollah Amoli Branch, Islamic Azad University, Amol, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: The existence of conflicts in the medical and pharmaceutical laws of the countries of private individuals is one of the most important challenges in the implementation of domestic regulations of countries, especially when there is no predominant factor for preferring one legal system over another. Therefore, examining the grounds for resolving this conflict is considered an essential issue in legal studies. In the present study, various aspects of this issue have been examined using the analytical-descriptive method, and finally the conclusion has been reached that by resorting to methods for resolving conflicts in medical and pharmaceutical laws and unifying them, including by concluding bilateral and multilateral treaties and also by using the model regulations of international organizations, conflicts in medical and pharmaceutical laws can be prevented to a large extent. It is also important to note that these model medical and pharmaceutical treaties and laws must adhere to legal principles and avoid unilateralist trends that may violate the rights of certain countries, as discussed in detail in this article.

Method: The present study is descriptive-analytical in nature and method. In this study, first, using the descriptive method, the concepts, theoretical foundations, and legal frameworks related to the conflict of laws in the field of medicine and pharmaceuticals are explained, and then, using an analytical approach, the feasibility of achieving uniform legal rules in order to eliminate or reduce these conflicts is examined.

Ethical Considerations: In conducting this research, the principles and methods of scientific ethics have been fully observed. To this end, any kind of plagiarism has been avoided and all materials, ideas, and data adapted from the works of others have been used with precise reference to the source. Also, the principle of scientific integrity in citations, correct representation of views, and avoidance of distortion or misdirection of data have been observed.

Results: The findings of the study show that the expansion of cross-border interactions in the field of medicine and pharmaceuticals, including the production, distribution and consumption of drugs, joint medical research and patient circulation, has led to an increase in cases of conflict of laws between different legal systems. Differences in drug production standards, licensing regulations, civil and criminal liability of doctors and pharmaceutical companies, as well as differences in regulatory systems, are among the most important factors in the emergence of these conflicts.

Conclusion: The final result of the research shows that moving towards the development of uniform rules requires the cooperation of governments, international organizations, and specialized health institutions. It is also suggested that domestic legal systems, with a flexible approach, provide the basis for the acceptance and implementation of these rules in order to promote the safety and quality of medical and pharmaceutical services, while protecting the rights of patients and stakeholders more effectively.

Keywords: Private International Law; Conflict of Medical and Pharmaceutical Laws; Unification; Model Law

Corresponding Author: Mehdi Fallah Kharyeki; **Email:** mehdifallahh@gmail.com

Received: December 06, 2024; **Accepted:** May 21, 2025; **Published Online:** February 23, 2026

Please cite this article as:

Sanei SH, Fallah Kharyeki M, Rouhi M. Areas for Resolving Conflicts between Medical and Pharmaceutical Laws through Achieving Uniform Legal Rules. *Medical Law Journal*. 2024; 18: e71.



زمینه‌های رفع تعارض قوانین پزشکی و دارویی از طریق دستیابی به قواعد متحدالشکل حقوقی

شکوفه صانعی^۱، مهدی فلاح خاریکی^{۱*}، محبوبه روحی^۲

۱. گروه حقوق، واحد آیت‌الله امینی، دانشگاه آزاد اسلامی، آمل، ایران.

۲. گروه علوم سیاسی، واحد آیت‌الله امینی، دانشگاه آزاد اسلامی، آمل، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: وجود تعارض در قوانین پزشکی و دارویی کشورهای متبوع اشخاص خصوصی، یکی از مهم‌ترین چالش‌ها در اجرای مقررات داخلی کشورها است، به ویژه در هنگامی که هیچ عامل مرجعی برای ترجیح یک نظام حقوقی بر نظام حقوقی دیگر وجود ندارد. از این رو بررسی زمینه‌های رفع این تعارض به عنوان مسأله‌ای ضروری در مطالعات حقوقی به شمار می‌رود.

روش: پژوهش حاضر از حیث ماهیت و روش، توصیفی - تحلیلی است. در این تحقیق، ابتدا با بهره‌گیری از روش توصیفی، مفاهیم، مبانی نظری و چهارچوب‌های حقوقی مرتبط با تعارض قوانین در حوزه پزشکی و دارویی تبیین شده و سپس با رویکرد تحلیلی، امکان‌سنجی دستیابی به قواعد متحدالشکل حقوقی به منظور رفع یا کاهش این تعارض‌ها مورد بررسی قرار گرفته است.

ملاحظات اخلاقی: در انجام این تحقیق، اصول و روش‌های اخلاق علمی به طور کامل رعایت شده است. بدین‌منظور از هرگونه سرقت علمی پرهیز شده و کلیه مطالب، نظریات و داده‌های اقتباس‌شده از آثار دیگران با ذکر دقیق منبع مورد استفاده قرار گرفته است. همچنین اصل امانتداری علمی در نقل قول‌ها، بازنمایی صحیح دیدگاه‌ها و اجتناب از تحریف یا جهت‌دهی نادرست به داده‌ها رعایت شده است.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که گسترش تعاملات فرامرزی در حوزه پزشکی و دارویی، از جمله تولید، توزیع و مصرف داروها، انجام پژوهش‌های پزشکی مشترک و گردش بیماران، موجب افزایش موارد تعارض قوانین میان نظام‌های حقوقی مختلف شده است. اختلاف در استانداردهای تولید دارو، مقررات صدور مجوز، مسئولیت مدنی و کیفری پزشکان و شرکت‌های دارویی و نیز تفاوت در نظام‌های نظارتی، از مهم‌ترین عوامل بروز این تعارض‌ها به شمار می‌رود.

نتیجه‌گیری: نتیجه نهایی پژوهش نشان می‌دهد که حرکت به سوی تدوین قواعد متحدالشکل، مستلزم همکاری دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی و نهادهای تخصصی حوزه سلامت است. همچنین پیشنهاد می‌شود نظام‌های حقوقی داخلی با رویکردی انعطاف‌پذیر، زمینه پذیرش و اجرای این قواعد را فراهم آورند تا ضمن ارتقای ایمنی و کیفیت خدمات پزشکی و دارویی، از حقوق بیماران و ذی‌نفعان به طور مؤثرتری حمایت شود.

واژگان کلیدی: حقوق بین‌الملل خصوصی؛ تعارض قوانین پزشکی و دارویی؛ یکسان‌سازی؛ قانون نمونه

نویسنده مسئول: مهدی فلاح خاریکی؛ پست الکترونیک: mehdifallah@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۱۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۳۱؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۲/۰۴

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Sanei SH, Fallah Kharyeki M, Roohi M. Areas for Resolving Conflicts between Medical and Pharmaceutical Laws through Achieving Uniform Legal Rules. Medical Law Journal. 2024; 18: e71.

مقدمه

یکی از مباحث مهم حقوق بین‌الملل خصوصی، مسأله تعارض قوانین پزشکی و دارویی است. تعارض در معنی لغوی آن به معنی «خلاف یکدیگر آمدن خبر و جزء آن» است (۱) و نیز بیان حالت میان دو فکر یا به طور کلی دو موضوع غیر قابل جمع نیز می‌باشد، به نحوی که نتوان میان آن دو سازگاری برقرار کرد (۲). اصطلاح تعارض قوانین پزشکی و دارویی در نظام حقوقی «کامن‌لا (Common Law)» که حقوقدانان آمریکایی و انگلیسی عموماً از آن استفاده می‌کنند، برای نخستین بار توسط دایسی (Dicey) حقوقدان انگلیسی در سال ۱۸۹۶ مطرح شد (۳).

تعارض قوانین پزشکی و دارویی وقتی تحقق می‌یابد که در یک مسأله حقوقی یک یا چند عامل خارجی دخالت داشته باشد و مسأله را به چند کشور مرتبط سازد و اختلاف پیش آید که از بین چند قانون قابل اعمال، کدام یک حاکم بر اختلاف خواهد بود. موضوع تعارض قوانین پزشکی و دارویی در حقوق بین‌الملل خصوصی مطالعه قاعده‌هایی است که با اعمال آن‌ها می‌توان درباره قضیه‌ای مربوط به قانون بیگانه به تعیین قانون قابل اجرا دست یافت (۴).

به عنوان مثال تولیدکننده آلمانی کالایی را به واسطه فرانسوی بفروشد و مصرف‌کننده آن کالا ایرانی باشد، حال اگر کالای مورد نظر دچار نقض گردد و آسیبی به فرد ایرانی وارد سازد، در اینجا چند قانون قابلیت اعمال را دارد که با هم متعارض هستند: اول اینکه در کجا باید طرح شود؟ دوم اینکه دادگاه از بین قوانین پزشکی و دارویی متعارض کدام قانون را باید اعمال کند؟ در اینجا مطلوب ما تعیین قانون صلاحیت‌دار از بین قوانین پزشکی و دارویی متعدد است (۵).

همچنین می‌توان یک قرارداد بیع بین‌المللی را مثال زد که معمولاً طرفین آن از دو یا چند کشور باشند و موضوع مبادله آن هم باید از یک کشور به کشور دیگر حمل شود. در این قرارداد، حداقل دو نظام حقوقی مطرح می‌گردد و اگر اختلافی بین طرفین مطرح شود، کدام قانون بر مسأله متنازع‌فیه حاکم

خواهد بود، در این مورد هم مسأله با رجوع به قواعد حل تعارض حل خواهد شد (۶).

عامل خارجی ممکن است وقوع مال مورد معامله یا عمل و واقعه حقوقی در خارج باشد یا تنظیم سند در کشور خارجی و نیز ممکن است تابعیت خارجی افراد باشد یا اقامتگاه آنان در خارج، ضمناً باید توجه داشت که گاهی یک عامل خارجی در مسأله دخالت دارد و گاهی چند عامل خارجی که هر چقدر عوامل خارجی دخیل در یک رابطه حقوقی بیشتر باشند، مسأله پیچیده‌تر شده و حل تعارض قوانین پزشکی و دارویی دخیل در موضوع، یعنی یافتن قانون صالحی که بتواند بر این رابطه حقوقی حاکم باشد، مشکل‌تر خواهد شد. تعارض قوانین پزشکی و دارویی به طرقی ایجاد و حل می‌گردد که در ادامه به آن اشاره می‌شود:

امروزه با پیشرفت و توسعه اقتصادی مبادلات بین‌المللی افزایش پیدا کرده است و اتباع کشورهای مختلف تمایل زیادی به برقراری ارتباط با یکدیگر دارند. در چنین حالتی یک رابطه حقوقی، به دو یا چند کشور، ارتباط پیدا می‌کند که این امر در موارد بروز اختلاف باعث تحقق تعارض قوانین پزشکی و دارویی می‌گردد (۷).

شرط ضروری دیگر اغماض قانونگذار یک کشور است تا در پاره‌ای از موارد قبول کند که قانون کشور دیگر را در خاک خود اجرا نماید، زیرا تعارض قوانین پزشکی و دارویی انتخاب قانون صلاحیت‌دار بین چند قانون است و در این امر برای قاضی یک امتیاز است، زیرا در صورتی که قاضی حق انتخاب نداشته باشد، تعارض قوانین پزشکی و دارویی قبل از مطرح‌شدن حل می‌شود (۷).

برای پیدایش تعارض قوانین پزشکی و دارویی در یک رابطه حقوقی که در آن عنصر خارجی وجود دارد و با چند کشور ارتباط پیدا می‌کند، لازم است که قواعد داخلی آن کشورها با یکدیگر متفاوت باشد، زیرا چنانچه راه حل قوانین پزشکی و دارویی کشورهای مختلف یکسان باشد، دیگر انتخاب این قانون یا آن قانون عملاً بی‌فایده خواهد بود، پس نتیجه می‌گیریم هرگاه قواعد کشورهای مختلف یکنواخت باشد، تعارض قوانین پزشکی و دارویی مصداق پیدا نمی‌کند (۸).

روش

پژوهش حاضر از نظر هدف، بنیادی - کاربردی و از حیث ماهیت و روش، توصیفی - تحلیلی است. در این تحقیق، ابتدا با بهره‌گیری از روش توصیفی، مفاهیم، مبانی نظری و چهارچوب‌های حقوقی مرتبط با تعارض قوانین در حوزه پزشکی و دارویی تبیین شده و سپس با رویکرد تحلیلی، امکان‌سنجی دستیابی به قواعد متحداشکل حقوقی به منظور رفع یا کاهش این تعارض‌ها مورد بررسی قرار گرفته است.

روش گردآوری داده‌ها کتابخانه‌ای بوده و اطلاعات مورد نیاز از طریق مطالعه و فیش‌برداری از منابع معتبر شامل کتب حقوقی، مقالات علمی - پژوهشی، اسناد بین‌المللی، کنوانسیون‌ها، مقررات سازمان‌های بین‌المللی مرتبط با سلامت و دارو، قوانین و مقررات داخلی کشورها و آرای حقوقی گردآوری شده است. تحلیل داده‌ها به صورت کیفی انجام شده و با مقایسه تطبیقی نظام‌های حقوقی مختلف، نقاط اشتراک و افتراق آن‌ها در مواجهه با تعارض قوانین پزشکی و دارویی استخراج و بررسی شده است.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

یافته‌ها

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که گسترش تعاملات فرامرزی در حوزه پزشکی و دارویی، از جمله تولید، توزیع و مصرف داروها، انجام پژوهش‌های پزشکی مشترک و گردش بیماران، موجب افزایش موارد تعارض قوانین میان نظام‌های حقوقی مختلف شده است. اختلاف در استانداردهای تولید دارو، مقررات صدور مجوز، مسئولیت مدنی و کیفری پزشکان و شرکت‌های دارویی و نیز تفاوت در نظام‌های نظارتی، از مهم‌ترین عوامل بروز این تعارض‌ها به شمار می‌رود.

از سوی دیگر، بررسی اسناد و رویه‌های بین‌المللی نشان می‌دهد که تدوین و پذیرش قواعد متحداشکل حقوقی می‌تواند نقش مؤثری در کاهش عدم قطعیت‌های حقوقی،

به طور کلی در حقوق بین‌الملل خصوصی دو نظریه یا روش حل تعارض از طرف دانشمندان این رشته ارائه شده است.

روش اصولی (جزمی): در این روش برای تعیین قاعده حل تعارض کلیه مسائل بر اساس یک اصل کلی بر طبق سیاست دولت از پیش تعیین شده و سیاست نیز بر آن مبتنی است. بنابراین در این روش راه حل‌های حقوق بین‌الملل خصوصی به شدت تحت تأثیر عوامل سیاسی قرار گرفته و نمی‌تواند عدالت واقعی را از نظر حقوقی تأسیس نماید. این روش که مورد توجه ناسیونالیست‌های افراطی و طرفداران دگماتیسم تعصب‌گرا قرار دارد و معتقدند که هر تدبیری برای رفع تعارض اتخاذ می‌گردد، باید به غایت و نتیجه آن فکر شود که همانا حفظ منافع ملی است، بنابراین راه حل‌ها در این روش استنتاجی (زیرا به نتیجه فکر می‌کنند) و خاص شمول (زیرا هر سرزمینی موقعیت خاص و منافع خود دارد که با سرزمین دیگر متفاوت است) می‌باشد.

روش حقوقی (انسب) مناسب‌تر: در این روش مسائل صرفاً از جهت حقوقی بررسی شده و سعی در یافتن یک راه حل حقوقی می‌شود و به هیچ وجه به مصلحت کشور خاص توجه نمی‌گردد. جنبه عدالت خواهی عقلی و منطقی دارد و عامل سیاسی هیچ دخالتی در یافتن راه حل حقوقی ندارد. بنابراین در این روش راه حل‌ها، تحلیلی یعنی مورد به مورد توجه می‌شود و عام‌الشمول است و مفهوم مشترک و منافع عمومی مورد نظر است، بدین معنی که کلیه راه حل‌ها از تحلیل مسائل حقوقی حاصل می‌شوند و به همین دلیل قابلیت اجرا در سرزمین‌های دیگر را دارند.

در پاسخ به این سؤال که کدام روش بهتر است، ابتدا باید دید آیا مسأله مورد نظر واجد جنبه حقوقی بیشتری است یا سیاسی تا بر حسب مورد روش حقوقی یا اصولی را به کار بگیریم بر فرض مثال در مسائلی مانند تابعیت، احوال شخصیه و صلاحیت دادگاه‌ها از آنجا که جنبه سیاسی این مسائل غالب است روش اصولی بهتر است. حال آنکه در قراردادهای چون جنبه حقوقی قوی‌ای وجود دارد روش حقوقی بهتر است (۸).

می‌شود و از طرف دیگر یکسان‌سازی را می‌توان نوعی تکامل و توسعه حقوق بین‌المللی نامید (۱۰).

ویژگی‌هایی که برای یکسان‌سازی می‌توان در نظر گرفت از قرار زیر است:

۱- یکسان‌سازی یک روند است نه یک پیامد که در خصوص آن می‌توان گفت: این وصف فرآیندی است که در مسیر آن حقوق بین‌الملل، هماهنگی لازم برای بقای خویش را تضمین می‌کند. روند یکسان‌سازی ذاتی سیستم حقوق بین‌الملل است و به همکاری میان اجزای مختلف و بقای سیستم حقوق بین‌الملل می‌انجامد. از طرف دیگر بستر یکسان‌سازی اصول و قواعد مشترکی است که از ابتدا میان طرفین تابعان و اعضای جامعه بین‌المللی وجود داشته است و سبب این نتیجه‌گیری می‌شود که یکسان‌سازی در ذات حقوق بین‌الملل نهفته است. به تعبیری دیگر سیستم حقوق بین‌الملل خصوصی صرفاً تا جایی می‌تواند به حیات خود ادامه دهد که وحدت ارگانیک و ماهوی لازم را در قالب چهارچوب مؤثری برای برقراری روابط بین‌المللی مخاطبانش تضمین کند، مسأله برقراری وحدت در نظام حقوقی مسائل دوگانه‌ای را مطرح می‌کند که همه عناصر دخیل در آن همیشه معلوم نیستند. یک بعد آن عناصری است که جنبه تکنیکی و فنی داشته و دسته دوم هر چند جنبه سیاسی دارند، دلیلی بر نادیده‌گرفتن آن‌ها وجود ندارد (۱۱).

یکسان‌سازی به عنوان ابزار تکمیلی و توافقی در حقوق بین‌الملل استفاده می‌شود تا جایی که حقوق بین‌الملل با استفاده از روش‌های حقوقی دست به یکسان‌سازی از نوع جدید می‌زند که همان یکسان‌سازی قوانین پزشکی و دارویی نام دارد، ولی از منظر حقوقی یکسان‌سازی حقوقی بر یکسان‌سازی قوانین پزشکی و دارویی برتری دارد، زیرا یکسان‌سازی اصول و قواعد است که در میان کاربران سبب به وجود آمدن قوانین پزشکی و دارویی مصوب یکسان می‌گردد، زیرا این قوانین پزشکی و دارویی هستند که از حقوق و نظم رابطه‌ای پیشین نشأت می‌گیرند و به وجود می‌آیند. از طرف دیگر این امر ممکن است که تنها در موارد خاص از این اصول پیروی کنند یا این موارد را تنها به حل و فصل اختلافات

افزایش امنیت حقوقی فعالان حوزه سلامت و حمایت بهتر از حقوق بیماران ایفا کند. تجربه برخی کنوانسیون‌ها و دستورالعمل‌های بین‌المللی حاکی از آن است که هماهنگ‌سازی مقررات، حتی بدون یکسان‌سازی کامل قوانین داخلی، می‌تواند تعارض‌ها را به‌طور قابل توجهی کاهش دهد.

بحث

۱. مفهوم یکسان‌سازی در حقوق بین‌الملل خصوصی:
معنای یکسان‌سازی در کلمه یکسان نهفته است. یکسان نیز علیرغم کاربرد فراوان، تعریف حقوقی فارسی ندارد و تنها توسط برخی اساتید حقوق و نویسندگان کشورمان در متون حقوقی جهت آشنایی با حقوق متحدالشکل و یا در ترجمه‌هایی از یکسان‌سازی حقوق اروپا به کار رفته است. اصطلاح وحدت حقوق جدید نیست، ولی از آنجا که حقوقدانان آنچنانکه باید به این موضوع نپرداخته‌اند، مصطلح و رایج نشده است. برگردان معنی انگلیسی به انگلیسی این واژه به یافتن معانی آن کمک می‌کند. در متون انگلیسی معانی گوناگونی برای آن در نظر گرفته شده است. از جمله ادغام، تحکیم، اتحاد، یکپارچگی، یکنواختی که در حقیقت هر کدام از این مفاهیم قسمتی از مفهوم اصلی و برگردان فارسی این واژه را روشن می‌نماید. در متون حقوقی فارسی اتحادیه اروپا، ایالت متحده، مؤسسه یکسان‌سازی حقوق خصوصی، مقررات متحدالشکل اعتبارات اسنادی، کنوانسیون ۱۹۳۰ ژنو درباره اسناد تجاری، اهداف دستاوردهای کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا از جمله موارد مربوط با این مفهوم است که در هر یک، ترجمه یکسان‌سازی در ارتباط با موضوع اصلی و با آن ویژگی‌ها بدون ارائه تعریف جامع و مانع از منظر حقوق بین‌المللی صورت گرفته است (۹).

با توجه به یکسان‌سازی و تصویب کنوانسیون‌ها و مدل‌هایی که به متحدالشکل‌سازی می‌پردازند، می‌توان گفت در همه این اعمال اصول کلی و مشترک مورد قبول و توافق طرفین به عنوان اصول اصلی حاکم بر روابط طرفین در نظر گرفته

و تسهیل در پذیرش قواعد یکسان بین‌المللی به شمار می‌آید (۱۲). تلاش برای دستیابی به یکسان‌سازی ابتدا به صورت منطقه‌ای شکل گرفت. قانون یکنواخت بازرگانی آمریکا نمونه‌ای از این تلاش‌های صورت‌گرفته برای یکسان‌سازی مقررات بازرگانی در تمامی ایالات این کشور به شمار می‌رود (۱۳).

از طرف دیگر، این روند یا هدف ایجاد وحدت حقوقی در درون کشورهای اروپایی مطرح گردید و عرف‌های گوناگون هر کشور تبدیل به حقوق واحد شد (۱۴)، حتی کشورهای آفریقایی نیز از این قافله عقب نمانده و سازمان هماهنگ‌سازی حقوق بازرگانی در آفریقا، قانون یکنواخت راجع به حقوق قراردادها را تدوین نموده و ۱۶ کشور آفریقایی به منظور توسعه سرمایه‌گذاری رژیم حقوقی مذکور را مورد پذیرش قرار داده‌اند. در حال حاضر، با گسترش روابط خصوصی بین اتباع کشورهای مختلف در زمینه‌های گوناگون، یکسان‌سازی با هدف ارتقای روابط خصوصی جوامعی که دارای حاکمیت‌های مستقل از یکدیگرند، در سطح جهانی دنبال می‌شود، هدف نهایی و بلندمدت یکسان‌سازی در حقوق متحدنمودن قواعد حقوق (تجاری) در سطح جهان است تا با اعمال قانون واحد روابط آسان و آزاد در این عرصه تضمین شود تا افراد بتوانند با اطمینان بیشتری با اتباع کشورهای خارجی ارتباط برقرار کنند، زیرا هرچه تعارض در قوانین پزشکی و دارویی بین‌المللی بیشتر باشد امنیت در روابط خصوصی به ویژه تجاری پایین خواهد آمد و این امر جزء محبوس شدن افراد در حصار کشور خود نتیجه دیگری نخواهد داشت.

گسترش روزافزون تجارت فرامرزی به ویژه پس از جنگ جهانی دوم از یکسو و علاقه وافر کشورهای مبتنی بر نظام اقتصادی بازار آزاد به آزادسازی مقررات تجاری خود از سوی دیگر، قواعد و مقررات حقوقی را نیز دستخوش تحول نمود، این تحولات علمای حقوق را بر آن داشت تا راهی برای تطبیق حقوق با این تغییرات بیابند نتیجه این تکاپو رشته‌ای از علم حقوق است که «حقوق تجارت بین‌الملل» نامیده شده است، حقوق تجارت بین‌الملل شاخه‌ای از علم حقوق است که از روابط و مبادلات بازرگانی بین‌المللی و قوانین پزشکی و

فی‌مابین مربوط بدانند و در موارد ارتباطات دیگر از مفاهیم و اصول خاصی استفاده نمایند.

۲- یکسان‌سازی موضوعات حقوقی به معنی از میان‌رفتن یک یا چندین موضوع به طور کامل نیست و مفهوم جدید حاصل از یکسان‌سازی از این منظر به اتحاد تحکیم و یکپارچگی موضوعات با یکدیگر می‌پردازد که بدون حذف موجودیت‌های قبلی انجام می‌پذیرد. آنچه که باعث از بین‌رفتن موجودیت‌های سابق و به وجود آمدن موجودیت‌های جدید است، حاصل ترکیب موضوعات مختلف با یکدیگر است که می‌تواند شامل تمامی موضوعات سابق باشد که این امر از هدف اصلی بسیار دور است و به ویژه در موضوعات حقوق بین‌الملل و با توجه به اصل اراده و استقلال دولت‌ها تقریباً کاربردی ندارد که در بالا اشاره شد.

کثرت تجلی حقوق مشترک بشریت بویژه در این دوران حقوق بین‌الملل (۸۹-۱۹۶۰ م.) به برقراری ارتباط میان دو حاکمیت در گذشته و آینده و از سوی دیگر حال و آینده جامعه بین‌المللی می‌پردازد. همین است که در راستای تحقق وحدت در جامعه بین‌المللی تنوع و کثرت پدیده‌های مثبت و قابل توجهی محسوب می‌شود.

۳- هدف از یکسان‌سازی حقوقی رسیدن به مجموعه‌ای مشترک و مستقل از طرفین تشکیل‌دهنده با مرزهای مشخص و فراتر از قوانین پزشکی و دارویی سابق است. در عین ادامه حیات قوانین پزشکی و دارویی سابق آنچه که در اتحادیه اروپا در سطح ملی و جامعه اروپا مورد ارزیابی قرار می‌گیرد، اصول مشترک به دست آمده دارای موجودیت جدید می‌گردند که خود را حفظ می‌کنند و در مواقع اختلاف میان اصول و قوانین پزشکی و دارویی یکسان‌سازی شده و اصول پیشین در سطوح مورد نظر پیروی از قیود و مقررات مشترک، لازم‌الاجراست. از منظری دیگر اهداف برقراری وحدت در نظام حقوق بین‌الملل جنبه‌های تکنیکی و فنی و همچنین سیاسی هستند.

یکسان‌سازی یا همان هماهنگ‌سازی حقوق خصوصی به معنای هم‌پایه و هم‌آوا کردن حقوق خصوصی در جامعه بین‌المللی است. روندی که در جهت نزدیک کردن قواعد حقوق خصوصی

دارویی و مقررات حاکم بر بازرگانی بین‌المللی و مراجع حل اختلاف بین‌المللی بحث می‌کند و به طور کلی حقوق تجارت بین‌الملل اهداف و مقاصد را دنبال می‌کند که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: جلوگیری از بروز اختلاف بین طرفین معامله، ایجاد قوانین پزشکی و دارویی و مقررات تجارت و بازرگانی مشترک بین بازرگانان، کاهش یا از بین بردن مشکلات ویژه معاملات بین‌المللی، ایجاد تشکل‌های جامعه بین‌المللی عمومی و سازمان‌های خصوصی و ارائه قوانین پزشکی و دارویی و مقررات متحدالشکل در زمینه بازرگانی بین‌المللی و ترغیب دولت‌ها به وادار کردن تجار و بازرگانان به اجرای این قوانین پزشکی و دارویی در داخل کشورهايشان (۱۵).

یکسان‌سازی حقوق تجارت اصطلاحی مرکب از دو اصطلاح، یکسان‌سازی و حقوق تجارت است. هر یک از این دو اصطلاح معانی منحصر خود را از منظر حقوق بین‌الملل دارا هستند که مطابق این تعاریف می‌توان موضوعاتی را بر آن‌ها بار و پیگیری نمود و بالعکس با این تعاریف مشخص، می‌توان مانع از آن شد تا دیگر مسائل غیر مرتبط بر آن‌ها بازگردد تا زمانی که تعریف مشخص از یکسان‌سازی حقوق تجارت از دیدگاه حقوقی به دست نیامده باشد، نمی‌توان به بررسی این موضوعات از جهات دیگر و تأثیرگذاری آن‌ها و نحوه این تأثیرگذاری‌ها پرداخت.

در مواردی یکسان‌سازی به معنی وحدت‌گرایی و در برخی موارد در عین حفظ موجودیت طرف‌های مورد یکسان‌سازی ظهور شخصیتی جدید و سومی مورد نظر است، در موضوعاتی به معنی یکی شدن کامل و از بین رفتن طرفین و به وجود آمدن شخصیت سومی به جای آن‌ها است. بسته به مرحله اجرا و موضوع یکسان‌سازی این قالب تفاوت خواهد داشت. در این رابطه می‌توان به مفهوم اتحادیه اروپا و وضعیت حقوقی آن (وحدت جمعی شامل استقلال کشورهای عضو و به وجود آمدن شخصیت سوم) که به پرداخته خواهد شد (۱۳).

یکسان‌سازی یا به عبارتی دیگر یکنواخت کردن حقوق قراردادهای بین‌المللی در واکنش به کم‌رنگ شدن اهمیت مرزها در جهات تجارت امروز می‌باشد و توسعه تجارت بین‌المللی یکنواخت نمودن قواعد مربوط به قراردادهای بین‌المللی را ضرورتی انکارناپذیر کرده است (۱۶).

وحدت شیوه‌های تجارت موجود در کشورها و نواحی مختلف جهان تقریباً نتیجه قهری جهانی شدن معاملات و داد و ستد می‌باشد. استانداردهای کیفی در تولیدات و خدمات در منطقه آسیای جنوب شرقی بایستی انتظارات شرکت‌های اروپایی را برآورده سازد، عرف تجاری در جهان عرب بایستی با شیوه‌های سرمایه‌گذاران آمریکای شمالی مطابقت داشته باشد، در این شرایط ایجاد یک محیط قانونی که شرایطی نظیر حفاظت معقول و برابر از حقوق اموال یا اجرای حکم معتبر خاصی را به صورت جهانی تضمین نماید، یکی از گام‌های ضروری برای تجارت جهانی می‌باشد؛ از سوی دیگر برای اینکه افراد در ارتباط با شرکت‌های چندملیتی در شرایط نامطلوب قرار نگیرند، وجود یک سند حقوقی که برای تمامی کاربران آن قابل دسترس و قابل درک باشد، می‌تواند در برابر سازی موقعیت طرفین قرارداد، مؤثر باشد و از آنجایی که شروط قراردادی از اعتبار یکسان برخوردار نمی‌باشند، از این رو در مواجهه با چنین تعارضات و نقایص قانونی در حقوق داخلی کشورها بسیاری از حقوقدانان یکسان‌سازی تقنینی و سازمانی حقوق قراردادهای بین‌المللی را ضروری دانسته، حتی برخی از یک مجموعه قوانین پزشکی و دارویی تجاری جهانی سخن به میان آورده‌اند (۱۶).

بنابراین هدف نهایی یکسان‌سازی می‌تواند تدارک شیوه‌ای باشد که قواعد و شروطی قابل قبول همگان را ایجاد کنند. این امر می‌تواند تأثیر مثبتی بر حقوق داخلی کشورها داشته باشد. نتایج فعالیت‌هایی که در راستای یکسان‌سازی صورت می‌گیرد، در سطح بین‌المللی می‌تواند منبع جامع و مهمی برای تنظیم کنوانسیون‌ها و قوانین پزشکی و دارویی نمونه باشد، در سطح ملی نیز این نتایج می‌تواند در زمینه تنظیم و تدوین قوانین پزشکی و دارویی در حوزه قواعد عمومی قراردادها و به طور کلی در حوزه معاملات مختلف مورد استفاده قرار گیرد. این فعالیت‌ها می‌تواند در کشورهایی که فاقد مجموعه منظمی از مقررات حقوقی در حوزه حقوق قراردادها هستند، یک مرجع مناسب برای قانونگذاران محسوب شود تا با انطباق قوانین پزشکی و دارویی ملی خود با این دسته از مقررات و اصول قانون مطلوبی را تنظیم و تدوین نمایند، اما به نظر می‌رسد

ایجاد و خلق تعهدات و الزامات حقوقی و قضایی و سیاسی بین کشورها است، در نتیجه می‌توان معاهده را چنین تعریف کرد: معاهده عبارت از هر نوع توافق و قراری است که بین دو یا چند صاحب حق و تابع حقوق بین‌الملل منعقد می‌گردد و منظور از انعقاد آن به وجود آوردن آثار حقوقی است و حقوق بین‌الملل می‌باید بر آن‌ها حاکم باشد. بشر در قرن اخیر، به اندازه تمامی قرون و اعصار گذشته شاهد پیشرفت علم و فناوری بوده است و از رهگذر چنین تحولاتی دامنه نیازمندی و ارتباط بین کشورها افزایش یافته و ناگزیر کشورها از طریق انعقاد معاهدات دوجانبه و چندجانبه خاص و همه‌جانبه سعی در برطرف نمودن نیازهای متقابل خود داشته‌اند (۱۷).

در پنجاه سال گذشته با تأسیس انفجارگونه در سازمان‌های بین‌المللی نقطه عطفی در تحول و توسعه معاهدات بین‌المللی ایجاد گردید، سازمان‌ها با احراز شخصیت حقوقی بین‌المللی از یک طرف و با ایجاد آیین و نظام معاهده‌سازی از طرف دیگر در جوار کشورها به تنظیم روابط بین‌المللی بین اعضا و حتی دول غیر عضو مبادرت نموده و موجب شده‌اند تعداد بی‌شماری از معاهدات بین‌المللی به وجود آید (۱۷).

با توجه به مراتب تحقق و تکوین یک معاهده بین‌المللی در مفهومی حقیقی، ملازمه با داشتن مشخصه‌های زیر دارد:

۱-۳-۱. انعقاد توسط اشخاص صلاحیت‌دار حقوق بین‌الملل: برای تحقق یک معاهده به مفهوم حقوقی انعقاد آن توسط اشخاصی که در حقوق بین‌الملل ذی‌صلاح شناخته می‌شوند، مانند کشورها ضروری است. همچنین اگر یک طرف ارگان دولتی و یا مؤسسه دولتی که نمایندگی دولت را در سطح بین‌المللی انجام می‌دهد، برای انعقاد معاهده دارای اهلیت و اختیار قانونی باشد، عمل انجام‌یافته آن را به عنوان معاهده در خواهد آورد (۱۸).

در مورد توافق بین‌المللی کشورها یا سازمان‌های بین‌المللی با یکدیگر در صورتی که توسط نمایندگان ذی‌صلاح آن‌ها انجام شود، تردیدی در معاهده‌بودن آن‌ها نخواهد داشت. دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در رأی منشوری مورخ ۱۹۴۹/۰۴/۱۱ خود سازمان‌های بین‌المللی را با تحقق شرایطی به عنوان

نتایج این فعالیت‌ها در کشورهایی که دارای نظام حقوقی ثابت و مشخص هستند، چندان اثرگذار نباشد (۱۷).

بر مبنای همین تفکر ملاحظه می‌شود که قانون مدنی جدید روسیه قانون تعهدات استونی و قانون مدنی لیتوانی تحت تأثیر اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی تدوین شده است و در توسعه حقوق قراردادهای جدید چین نیز از کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا استفاده شده است (۱۶).

برخی حقوقدانان هنوز فرصت یکسان‌سازی حقوق قراردادهای درک نکرده و نسبت به این روند عقیده‌ای بدبینانه دارند، این حقوقدانان بر این باورند که یافتن یک کانون واحد یا رسیدن به یک توافق بین شیوه‌های متفاوت نظام‌های حقوقی در تفسیر قوانین پزشکی و دارویی امری غیر ممکن می‌باشد. به عبارت دیگر این دسته از حقوقدانان معتقدند که با توجه به شیوه‌های متفاوت و متضاد و نیز با وجود برخی اصطلاحات حقوقی که در کشورهای دیگر مدلی برای آن‌ها وجود ندارد، یکسان‌سازی و ادغام تمامی این مولفه‌ها در یک قانونگذاری نوین و مؤثر امری ناممکن می‌باشد. علاوه بر این نظامی قراردادی که به کلی نوین باشد، صرفاً موجب افزایش بی‌ثباتی و عدم امنیت در میان کاربران آن خواهد شد، اما با توجه به موفقیت و کارایی برخی از فعالیت‌های مرتبط با یکسان‌سازی حقوق قراردادهای نظیر GISG و UPICC امکان بین‌المللی کردن حقوق خصوصی و به ویژه حقوق قراردادهای هم در عرصه قانونگذاری و هم در عمل، واقعیتی انکارناپذیر است (۱۵).

۳. روش‌های دستیابی به قواعد متحدالشکل در حقوق خصوصی: دستاوردهای متعدد و ارزشمندی که با هدف اتحاد و هماهنگی بیشتر نظام‌های حقوقی به دست آمده است، با روش‌های متفاوتی به متحدالشکل‌سازی می‌پردازد. بنابراین در این قسمت به بررسی آن پرداخته می‌شود.

۱-۳-۱. معاهدات بین‌المللی (International Treaties): درباره معاهده دو تعریف وجود دارد: یکی برحسب عرف، دیگری بر حسب مقررات موافقت‌نامه وین ۱۹۶۹. تعریف معاهده بر حسب عرف معاهده چون از قدیم‌الایام معمول و مرسوم بوده است، به دلیل همین قدمت و سوابق ممتد وسیله

۴. نقش معاهدات دوجانبه و چندجانبه در روند همکاری بین‌المللی: به موازات افزایش اهمیت سرمایه‌گذاری خارجی و نقش آن در پیشرفت اقتصادی کشورها، حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی نیز اهمیت روزافزون یافته است. بنابراین قانونگذاران کشورها، علاوه بر تصویب قانون عام برای تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی میان دو دولت از معاهدات دوجانبه بهره می‌برند و پس از تصویب، معاهده میان دو دولت و اتباع آن‌ها به مرحله اجرا درمی‌آید. تردیدی نیست که دولت‌ها در انعقاد چنین معاهداتی به دنبال منافع خود هستند، با این حال ویژگی موافقت‌نامه‌های مذکور باعث شده دولت‌ها به اجبار از برخی منافع ملی خود در این موافقت‌نامه‌ها صرف نظر کنند تا منافع کلاتری را به دست بیاورند، علاوه بر معاهدات دوجانبه بیشتر دولت‌ها با یکدیگر معاهدات چندجانبه را منعقد کرده‌اند که البته معاهدات چندجانبه بیشتر از همه به کار کشورهای توسعه‌یافته می‌آید و کشورهای در حال توسعه بیشتر از معاهدات دوجانبه استفاده می‌کنند، چراکه موضوعات حساسی که باید طی معاهده چندجانبه مورد تصمیم‌گیری قرار گیرند، مانند حاکمیت و بهره‌برداری از منابع طبیعی و سیاست‌های اقتصاد ملی، به قدری با حساسیت دنبال می‌شوند که به نظر نمی‌رسد کشورهای در حال توسعه بخواهند در این موضوعات به سادگی خود را در یک معاهده چندجانبه الزام‌آور متعهد نمایند (۱۹).

با توجه به مطالبی که بیان شد، دلیل اینکه دولت‌ها در برخی مواقع برای سهولت روابط خود با کشورهای دیگر از معاهدات استفاده می‌کنند، این است که تعارض منافع میان دولت‌های کثیری که مخاطب کنوانسیون‌ها قرار می‌گیرند دستیابی به توافق را مشکل‌ساز می‌نماید، اما یک معاهده به دلیل دوجانبه یا چندجانبه بودن بهتر می‌تواند دولت‌ها را پای میز مذاکره بکشد و با توجه به اهداف و نیازهای تجاری طرفین امکان چانه‌زنی بین‌المللی را به راحتی امکان‌پذیر می‌کند (۲۰).

برای مثال می‌توان کشور ایران را نام برد که پس از تصویب قانون ملی‌شدن صنعت نفت در سال ۱۳۲۹ و با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ حساسیت‌ها نسبت به صیانت از منابع

اشخاص حقوق بین‌الملل مورد پذیرش قرار داده است. در دکترین نیز سازمان‌های بین‌المللی به عنوان دلیل و نتیجه طبیعی شخصیت حقوق بین‌الملل دارای صلاحیت انعقاد معاهده نشان داده شده‌اند (۱۸).

۳-۱-۲. ایجاد اثر در راستای حقوق بین‌الملل: بدون شک پیروی معاهدات بین‌المللی از مقررات و ضوابط حقوق بین‌الملل یک اصل است و رعایت چنین اصلی تضمین‌کننده تشکیل معاهده به شمار می‌رود. بنابراین محور اساسی در تکوین یک معاهده تبعیت آن از موازین حقوق بین‌الملل به منظور منشأ اثر بودن آن در قلمرو حقوق بین‌الملل است، اگرچه دولت‌ها با برخورداری از اهلیت بین‌المللی می‌توانند معاهدات بین‌المللی منعقد نمایند، با این حال اقدام خودسرانه هر یک از مقامات دولتی نیز در انعقاد معاهده با دیگر کشورها در صحنه بین‌المللی نمی‌تواند موجب معاهده باشد (۱۷).

۳-۱-۳. ایجاد تغییر یا خاتمه حق و تکلیف طرفین: شرط دیگر به عنوان مشخصه سوم در تکوین یک معاهده بین‌المللی لزوم انجام توافق به منظور برقراری پایبندی حقوقی طرفین است، یعنی توافق بین‌المللی بایستی جهت ایجاد تغییر و یا خاتمه حق و تکلیف طرفین انجام پذیرد، در صورتی که توافق جنبه تکراری داشته باشد، سخن از معاهده ناممکن است، اما ایجاد تقییه جدید حق و تکلیف با هر موضوع و مصادقی باز تحت عنوان معاهده تلقی خواهد شد. از این رو انجام توافق در زمینه ضوابط اجرایی یک معاهده اگر حاوی ارقام اوزان و شرایط جدید مربوط به آن باشد، آن را در قالب یک معاهده قابل ارزیابی خواهد نمود (۱۷).

۳-۱-۴. شرط مدون بودن: مدون بودن یک توافق بین‌المللی آخرین شرط تکوینی یک معاهده است. بنابراین در توافقات بین‌الملل میان کشورها و یا سازمان‌های بین‌المللی علاوه بر دیگر شرایط لازم مدون بودن آن نیز باید مراعات گردد. از این رو اعمال حقوقی یک‌جانبه کشور یا سازمان‌های بین‌المللی در قلمرو حقوق بین‌الملل اگر موجب حق و تکلیف مهم باشد، باز موجب یک معاهده نخواهد بود (۱۷).

که کشورهای عضو را در رص بیع بین‌المللی تابع مفاد کنوانسیون می‌داند (۲۱)؛

۳- دسته سوم کنوانسیون‌هایی هستند که می‌توانند ورای محدوده قابل اجرای مصرح در آن باشند و حتی نسبت به دولت‌هایی اعمال شوند که از امضای کنوانسیون خودداری کرده‌اند، اما به علت نحوه نگارش کنوانسیون روابط تجاری آن‌ها نیز مشمول مقررات آن گردیده است، مانند زمانی که اطراف قرارداد که تابعیت دولت غیر متعاقد را دارند، برخی قواعد یک کنوانسیون را در ضمن قرارداد مندرج و یا حتی تمام کنوانسیون را به عنوان قانون حکم بر قرارداد انتخاب نموده‌اند، البته به شرط آنکه قانون ملی حاکم بر قرارداد این حق را از آنان سلب نکرده باشد، به این ترتیب کنوانسیون حتی نسبت به دولتی که امضاکننده نیست نیز اعمال می‌گردد (۲۲).

قراردادهای بیع بین‌المللی کالا (وین، ۱۹۸۰ م.) از کنوانسیون‌هایی هستند که توسط سازمان ملل متحد منعقد شده‌اند که با پذیرش یک کنوانسیون توسط کشورها قوانین پزشکی و دارویی و مقررات آن‌ها در خصوص موضوع کنوانسیون متحدالشکل می‌گردد.

در مطالب قبلی کنوانسیون را به عنوان یک روش قانونگذاری برای متحدالشکل‌سازی معرفی کردیم، ولی با وجود این مزیت غیر قابل انکار کنوانسیون‌های بین‌المللی با وجود کوشش‌های زیاد مراجع بین‌المللی ذی‌صلاح چون «مؤسسه بین‌المللی برای متحدالشکل‌کردن حقوق خصوصی» (معروف به «Unidroit») و نیز تلاش‌های سازمان ملل متحد در زمینه نزدیک‌کردن قواعد داخلی کشورها در خصوص بیع نتایج حاصله از مراجعه به این منابع حقوقی چندان موفقیت‌آمیز نبوده است که کنوانسیون لاهه و عدم موفقیت آن گواه این مدعا می‌باشد.

کنوانسیون لاهه مورخ اول ژوئیه ۱۹۶۴ در مورد بیع بین‌المللی اشیای مادی، نتیجه اقدامات اولیه مؤسسه UNIDROIT است که موفقیت چندان پیدا نکرد و اغلب دولت‌های جهان آن را نادیده گرفتند، به طوری که مقررات آن جزء در تعداد

ملی به طور فزاینده‌ای بالا رفت و به حق تمایلی به مصالحه و سازش بر سر دارایی عمومی و سرمایه‌های ملی وجود نداشت. از سوی دیگر ایران کشوری با منابع غنی نفت و گاز و... است و نیاز به امکانات و ابزار و وسایلی دارد که به تنهایی و فقط با وضع قوانین پزشکی و دارویی عادی نمی‌تواند مقاصد خود را پیش ببرد، در نتیجه به وضع قوانین پزشکی و دارویی و موافقت‌نامه‌های دوجانبه سرمایه‌گذاری در راستای هموارنمودن راه سرمایه‌گذاری خارجی در کشور خود متوسل شد (۱۸).

کنوانسیون‌ها بیشتر از سایر ابزارهای متحدالشکل‌سازی به اتحاد قوانین پزشکی و دارویی کمک می‌کنند. یکی از روش‌های ایده‌آل متحدالشکل‌سازی قوانین پزشکی و دارویی و جلوگیری از منازعات ناشی از تعارض قوانین پزشکی و دارویی انعقاد کنوانسیون‌های چندجانبه است، انعقاد کنوانسیون به منظور وضع قواعد ماهوی فرا ملی در خصوص مسائل بین‌المللی، قبل از هر چیز امکان می‌دهد تا از مشکلات ناشی از مراجعه به نظام تعارض قوانین پزشکی و دارویی و کمبودهای آن کاسته شود، بدین ترتیب قاضی یا داور رسیدگی‌کننده به اختلاف فی‌مابین طرفین به جای رسیدگی دومرحله‌ای، یعنی تعیین قانون ملی حاکم بر قرارداد و پس اجرای قانون مزبور در حل قضیه متنازع فیہ مندرجات کنوانسیون حاکم بر بیع را مستقیماً به مرحله اجرا درمی‌آورد. کنوانسیون‌ها ۳ گروهند:

۱- کنوانسیون‌هایی که برای متعهدان خود حداقلی از استانداردها را قائلند و جنبه آمره دارند، به نحوی که دولت‌های عضو آن حق وضع قواعد معارض با کنوانسیون‌ها را ندارند، بلکه موظفند در تمامی قوانین پزشکی و دارویی خود مقررات کنوانسیون را اعمال کنند یا قوانین پزشکی و دارویی خود را طبق آن اصلاح نمایند مانند برخی قواعد سازمان تجارت جهانی و اتحادیه اروپا؛

۲- کنوانسیون‌هایی که موجب می‌شوند که فقط بخشی از مقررات ملی عضو الحاقی، مطابق با مفاد معاهده شود، مانند کنوانسیون سازمان ملل متحد در خصوص بیع بین‌المللی کالا

مبنای رویه و عرف بین‌الملل در حقوق تجارت بین‌الملل قرار گرفته و از طریق قوه مقننه دولت‌ها به صورت قانون داخلی مورد استفاده اتباع و دولت قرار گیرند (۲۵).

قوانین پزشکی و دارویی نمونه اصولاً به طور غیر مستقیم به کشورها اجازه می‌دهند تا برخی مفاد آن را خارج کرده یا تغییر دهند. به عبارت دیگر کنوانسیون برای یکسان‌سازی و قواعد نمونه برای هماهنگ‌سازی پیش‌بینی شده است (۲۰).

امروزه بسیاری از مبادلات تجاری بین‌المللی بر مبنای قراردادهای نمونه صورت می‌گیرد. آشنایی با این قراردادها به جهت اینکه مبین حقوق و تعهدات متعاقدين می‌باشد، از اهمیت قابل توجهی در فرآیند تفسیر قرارداد برخوردار است.

در حال حاضر متداول ترین قراردادهای تجاری بین‌المللی به شرح ذیل است:

از آنجا که یک قرارداد نمونه باید مشتمل بر تمامی مسائل تجاری مربوط باشد، معمولاً برای هر رشته تجاری، قرارداد نمونه خاصی تنظیم می‌گردد. برای مثال در قراردادهای پیمانکاری و ساختمانی از فرم‌های نمونه فیدیک استفاده می‌شود که مبتکر آن اتحادیه بین‌المللی مهندسان مشاور می‌باشد.

در بین مؤسسات و اتحادیه‌های تدوین‌کننده قراردادها و قواعد نمونه بین‌المللی، نقش کمیسیون اقتصادی ملل متحد برای اروپا بیشتر از سایرین به چشم می‌خورد، همچنانکه می‌توان این مؤسسه را مبتکر مجموعه گوناگونی از فرم‌های نمونه قراردادی و قواعد متحدالشکل و یکنواخت دانست که راهنمایی برای تنظیم قراردادهای صنعتی انتقال فناوری ساخت کارخانه‌ها و تأسیسات، راهنمایی برای تنظیم قراردادهای مربوط به تهیه و نصب تجهیزات و ماشین‌آلات، قراردادهای نمونه در ارتباط با معاملات بانکی فروش محصولات کشاورزی و صدور محصولات صنعتی و قواعد یکنواخت برای معامله الکترونیکی داده‌ها برای مدیریت، تجارت و حمل و نقل که برای انتقال داده‌های الکترونیکی از یک رایانه به رایانه دیگر کاربرد فراوان دارد (۲۶)، از جمله آن‌هاست.

کمی از کشورها، از جمله بلژیک انگلستان ایتالیا هلند و جمهوری دموکراتیک آلمان مورد تصویب قرار نگرفت.

علت این عدم موفقیت در دو چیز بود: نخست اینکه اغلب کشورهای جهان به جزء چند کشور اروپایی کوچک‌ترین نقش در تهیه و تنظیم متن کنوانسیون نداشتند و نمی‌خواستند به قانونی بپیوندند که در تدوین آن مشارکتی نکرده بودند؛ دوم اینکه به کنوانسیون چنین ایراد گرفته می‌شد که در آن، نیازهای بیع صنعتی و به ویژه بیع ماشین‌آلات مورد توجه قرار نگرفته است، به علاوه گفته می‌شد که کنوانسیون به صورت انتزاعی و بغرنج نوشته شده است، به نحوی که درک آن برای آن گروه از دست‌اندرکاران تجارت بین‌المللی که فاقد تخصص در حقوق هستند، بسیار مشکل می‌باشد (۲۳).

ایجاد و تصویب کنوانسیون‌ها یکی از وظایف کمیسیون حقوق تجارت بین‌الملل سازمان ملل متحد (آن‌یسترال : UNCITRAL: United Nations Conference on Trade and Development) می‌باشد. کنوانسیون‌ها ابتدا به صورت طرح پیشنهادی دبیرخانه در گروه کاری نمایندگان دولت‌ها مطرح می‌شود. طرح پیشنهادی دبیرخانه معمولاً بر اساس ضرورت بین‌المللی و درخواست دولت‌ها تهیه می‌شود و ضمن تهیه آن نظر مشورتی صاحب‌نظران در طرح مورد نظر و همچنین سازمان‌های بین‌المللی ذی‌ربط مورد توجه قرار می‌گیرد، پس از تصویب طرح پیشنهادی در اجلاس عمومی کمیسیون طرح کمیسیون به مجمع عمومی سازمان ملل ارائه می‌شود و پس از تصویب مجمع برای امضای دولت‌ها ارسال می‌شود (۲۴).

۵. رفع تعارض قوانین پزشکی و دارویی از طریق قوانین پزشکی و دارویی و قراردادهای نمونه بین‌المللی: قوانین پزشکی و دارویی نمونه یکی از روش‌های تقنینی در حقوق بین‌الملل برای یکسان‌سازی می‌باشند، قوانین پزشکی و دارویی نمونه مقرراتی هستند که ابتدا به صورت طرح در گروه‌های کاری مطرح شده و نقاط ضعف، قوت و تطبیق آن با مسائل روز حقوقی بررسی می‌شود و پس از تشریک مساعی دولت‌ها به صورت طرح نهایی در کمیسیون حقوق تجارت بین‌المللی (آن‌یسترال) مورد تصویب قرار می‌گیرند، این قوانین پزشکی و دارویی پس از تصویب می‌توانند به خودی خود

۶-۲. رعایت نفع مشترک دولت‌ها: برای مقبولیت حداکثری تدوین و طراحی قواعد متحدالشکل باید بر اساس نفع مشترک و یا دفع ضرر واحد باشد، دولت‌ها در مواردی اصولاً ضرورتی به وجود قوانین پزشکی و دارویی جدیدالتأسیس احساس نمی‌کنند، البته این غیر از مواردی است که ضروری احساس می‌شود، اما طرح پیشنهادی قادر به پاسخگویی مناسب نمی‌باشد. تجربه ثابت کرده است که اگر دولت‌ها حقوق ملی خود را بی‌نیاز از قواعد برتر بدانند، مشارکت و رغبت کافی برای هماهنگ‌سازی ابراز نمی‌کنند. این امر باعث خواهد شد که طرح‌های پیشنهادی، تنها از طرف برخی دولت‌ها مورد پذیرش قرار گیرد، این مشکل حتی نسبت به موضوعات جدید بین‌المللی که در حقوق ملی سابقه ندارند نیز مشاهده می‌شود. برای مثال دولت انگلیس که پیش از قانون متحدالشکل برات مصوب ۱۹۳۰، مقررات ملی برات وضع نموده بود، این قانون متحد را نمی‌پذیرفت (۲۷).

در چنین شرایطی به نظر می‌رسد تنها راه حل آن است که سازمان‌ها و نهادهای متحدالشکل‌کننده برای ایجاد رغبت در دولت‌ها آن‌ها را متقاعد نمایند که قواعد پیشنهادشده، راه حل بهتری از نمونه مشابه در سیستم ملی است یا آنکه حداقل مطلوبیت کمتری از آن‌ها ندارد. همچنین اگر طرح‌های متحدالشکل‌سازی، شخصام بر اساس منافع مشترک پیگیری شوند، علاوه بر حذف مشکلات فوق، اتحادهای حقوقی موفق را به دنبال خواهند داشت که نمونه متحدالشکل‌سازهای کنونی منطقه‌ای و محدود است که با رعایت این اصل در وضع قواعد مشترک به موفقیت‌های چشم‌گیری دست یافته‌اند.

نتیجه‌گیری

به دلیل وجود تعارض در قوانین پزشکی و دارویی داخلی کشورهای مختلف آنان برای ایجاد ارتباط و نظم‌دادن به روابط خود در حیطه بین‌المللی سعی می‌کنند با یکدیگر همکاری نمایند همکاری یک مشخصه ضروری در سیستم حقوق بین‌الملل خصوصی می‌باشد، زیرا تعارض قوانین پزشکی و دارویی و اکتفا صرف به قوانین پزشکی و دارویی داخلی باعث

۶. شروط قانونی نمونه: شروط قانونی نمونه نوعی قانون نمونه هستند که فقط بخشی از موضوع مورد نظر را پوشش می‌دهد و سایر بخش‌ها را به خود کشورها واگذار می‌نماید، مانند مقررات قانونی نمونه در خصوص تأمین مالی طرح‌های زیربنایی توسط بخش خصوصی. قوانین پزشکی و دارویی نرم و الزام‌آور به سه دسته: ۱- اصول حقوقی؛ ۲- حقوق مدرن؛ ۳- پذیرش داوطلبانه قانون کارآمد تقسیم می‌شوند. این سه روش مدرن نیاز به تصویب دولت‌ها ندارند که در این قسمت تحقیق فقط به بررسی اصول حقوقی اکتفا می‌کنیم.

۶-۱. تبعیت از اصول حقوقی: اصول حقوقی، قواعدی هست که توسط سازمان‌های بین‌المللی و بر اساس مفاهیم مشترک موجود در دولت‌ها، طراحی و ارائه می‌شوند. این اسناد نیازمند تصویب دولت‌ها نیستند و به همین دلیل الزام‌آور محسوب نمی‌شوند (مانند اصول قراردادهای اروپایی کمیسیون)، لاندرو در اتحادیه (اروپا) و اصول قراردادهای بین‌المللی سازمان یونیدرویت گسترش اصول حقوقی متحدالشکل جریان متحدسازی قواعد حقوق قراردادهای را از مرحله قانون‌سازی که نیازمند تصویب و تأیید دولت‌هاست، به مرحله جدیدی وارد نموده که عبارت است از هدایت فکر چالش‌آفرینی و در نهایت ارائه راه حل‌ها در حقیقت سازمان‌ها از این طریق به دنبال ترسیم یک اندیشه حقوقی مشترک هستند و با نوعی عرف‌سازی بین‌المللی پذیرش آن را از سوی دولت‌ها به یک جریان طبیعی و خود به خود مبدل نموده‌اند (۲۰).

از جمله عواملی که می‌توانند در موفقیت یک قاعده متحدالشکل بین‌المللی مؤثر واقع شود، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: کیفیت قوانین پزشکی و دارویی حقوقی طراحی شده، میزان ضمانت اجرای پیش‌بینی شده، قابلیت اجرایی بالا هماهنگی با عوامل فرهنگی و اجتماعی جامعه دریافت‌کننده دخالت عوامل تسهیل‌کننده، مانند حمایت نخبگان ملی و عدم موفقیت برخی از طرح‌های کنونی به علت فقدان برخی از شرایط فوق و عوامل دیگری است که سعی خواهد شد در این قسمت به طور دقیق مورد مطالعه قرار گیرد و راهکارهایی برای بهبود متحدالشکل‌سازی بین‌المللی پیشنهاد شود.

نیاز به یکسان‌سازی دارد و همچنین دریافتن راه حل‌های ماهوی مناسب، برای تدوین حقوق واحد کمک می‌کند. تمامی کنوانسیون‌هایی که در مسیر یکسان‌سازی ایجاد شده‌اند، به موفقیت چندانی دست نیافته‌اند. بنابراین برای ایجاد یک کنوانسیون مؤثر باید یک‌سری شرایط اساسی را در نظر بگیریم، مانند اینکه کنوانسیون باید به نفع اکثریت کشورهای عضو باشد و در آن مسائل ضروری با مکانیزم تصویب و اجرای مناسب بررسی شوند. همچنین از میانجی‌گری‌های بین‌المللی در مقابل کشورهای عضو استفاده شود. از همه مهم‌تر کنوانسیون نباید وابسته به نظام حقوقی خاصی باشد. برای مثال چون در انعقاد کنوانسیون لاهه کشورهای زیادی مشارکت نداشتند و مفاد این کنوانسیون با حقوق کشورهای مختلف غریب بود. کنوانسیون موفق به شمار نیامد.

در مقابل کنوانسیون ناموفق لاهه، کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا را می‌توان نام برد که اکثر کشورهای جهان در آن عضویت دارند و یک کنوانسیون موفق و اصولی در زمینه یکنواخت سازی مقررات حقوق خصوصی می‌باشد و بیشتر کشورهای جهان عضو این کنوانسیون هستند، حتی دولت ایران هم که عضو این کنوانسیون نیست، نمی‌تواند به طور صریح مفاد کنوانسیون را مخالف با قواعد و اصول داخلی ایران بداند.

تلاش آنسترال در تنظیم کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا که ابتدا کمیته‌ای برای مطالعات ضروری مقدماتی برای تهیه قانون متحدالشکل آینده تشکیل داد و سپس محتوای کنوانسیون را بر اساس مطالعه بین دیدگاه‌های متفاوت نظام‌های حقوقی بزرگ، از قبیل کامن‌لا حقوق نوشته (رومی، ژرمنی) حقوق اسلامی حقوق سیاسی حقوق آفریقایی و حقوق خاورمیانه و نقطه نظرات سازمان‌های بین‌المللی تنظیم نمود قابل ستایش است، چراکه تمامی این تلاش‌ها باعث شد که یک چنین کنوانسیون موفق ایجاد شود.

پیشنهادات: ۱- دولت‌ها به منظور حمایت از قراردادها و از میان برداشتن موانع تجاری بین‌المللی و همچنین وضع قواعد برای موضوعات جدید همواره باید بکوشند تا اختلاف‌های ناشی از تفاوت قوانین پزشکی و دارویی خود را به حداقل

انزوای کشورها عدم پیشرفت و توسعه آن کشور می‌شود. این امر باعث عقب‌ماندن کشور منزوی از پیشرفت‌ها منابع تکنولوژی و راهکارهای جامعه جهانی می‌شود، همکاری وقتی وجود دارد که کشورها در صحنه بین‌الملل از طریق هماهنگ و یکسان نمودن سیاست‌های خود، رفتار خود را با ترجیحات و اولویت‌های بالفعل و بالقوه دیگران سازگار نمایند. این همکاری بیشتر از طریق یکسان‌سازی حقوق خصوصی که یک روند در این زمینه است، دنبال می‌شود. یکسان‌سازی همان تصویب کنوانسیون‌ها و مدل‌هایی است که کمک می‌کند تا اصولی کلی و مشترک که مورد قبول طرفین است، بر روابط آنان حکومت کند. از طرفی یکسان‌سازی ضروری است، چون جهانی‌شدن یک امر غیر قابل گریز در سیستم حقوقی بین‌الملل است که تعارض قوانین پزشکی و دارویی در آن بیدار می‌کند.

برای یکسان‌سازی مقررات مربوط به حقوق خصوصی روش‌های گوناگونی مانند انعقاد معاهدات، ایجاد کنوانسیون‌ها، قوانین پزشکی و دارویی نمونه و شرط حقوقی نمونه وجود دارد که متداول‌ترین این روش‌ها ایجاد کنوانسیون‌های بین‌المللی در زمینه‌های مختلف برای یکسان‌سازی مقررات می‌باشد که توسط سازمان‌های جهانی و بین‌المللی بوجود می‌آیند. کنوانسیون‌ها علاوه بر متحدالشکل‌سازی از وقوع منازعات جلوگیری می‌کنند، به خصوص انعقاد کنوانسیون‌های چندجانبه به منظور وضع قواعد ماهوی فراملی در خصوص مسائل بین‌المللی قبل از هر چیز امکان می‌دهد تا از مشکلات ناشی از مراجعه به نظام تعارض قوانین پزشکی و دارویی و کمبودهای آن کاسته شود.

صرف وجود یک سازمان و مفاد خاص در زمینه یکنواخت سازی و ایجاد قوانین پزشکی و دارویی و مدل‌های گوناگون شرط کافی برای موفقیت در زمینه حقوق خصوصی نمی‌باشد، بلکه سازمان‌ها اعم از جهانی و منطقه‌ای باید برای موفقیت یک روش در زمینه یکسان‌سازی با مطالعه حقوق تطبیقی کشورهای مختلف و استفاده از رویکرد کارآمد در این زمینه پیش روند، زیرا مطالعات تطبیقی به پیدا کردن موضوعاتی که

کنوانسیون به نظر نمی‌آید، مانع عمده حقوقی برای عدم الحاق ایران به کنوانسیون باشد، هرچند که موانع مذکور اکثراً سیاسی می‌باشد و از عدم توجه مسئولین به ضرورت پیوستن به چنین کنوانسیونی برای بهبود روابط تجاری و اقتصادی کشور نشأت می‌گیرد، بر دانشمندان محققان، متخصصان و مجریان کشور است تا زمینه‌های الحاق ایران به کنوانسیون را فراهم سازند، چراکه این امر به نفع کشورمان می‌باشد.

مشارکت نویسندگان

شکوفه صانعی: نگارش مقاله، اصلاحات آن و تهیه منابع.

مهدی فلاح خاریکی: نظارت بر اصلاحات

محبوبه روحی: نظارت بر اصلاحات

نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

برسانند و امنیت حقوقی لازم برای فعالیت‌های اقتصادی را تأمین کنند که یکی از روش‌های مرسوم در این زمینه قوانین پزشکی و دارویی متحدهالشکل است که با هدف طراحی و برای اعمال در قراردادهای تجاری پیشنهاد می‌شود؛

۲- سازمان‌های متعدد دولتی نیمه‌دولتی و خصوصی که فعالان اصلی در طراحی قواعد متحدهالشکل می‌باشند و در قالب اسنادی مانند کنوانسیون‌ها و اصول و راهنماهای حقوقی فعالیت دارند، با بالابردن قدرت الزام‌آوری روش‌های مذکور تطبیق و تقریب نظام‌های حقوقی و وضع قوانین پزشکی و دارویی جدید با استناد به عرف بازرگانی فراملی تصویب و اجرای قوانین پزشکی و دارویی متحدهالشکل را سرعت دهند؛

۳- سازمان‌های مرسوم که در حیطه یکسان‌سازی فعالیت دارند باید در وهله اول به محدودیت‌های متحدهالشکل‌سازی توجه نمایند تا با در نظر گرفتن مواردی مانند نفع مشترک دولت‌ها و حذف مسائل غیر ضروری مشکلات تصویب و اجرای قوانین پزشکی و دارویی جدید به حداقل برسد؛

۴- سازمان‌های بین‌المللی به جای کنوانسیون‌ها و قوانین پزشکی و دارویی نمونه که به تصویب دولت‌ها نیاز دارند از اصول و راهنماهای حقوقی که از ضرورت تصویب بی‌نیاز هستند، بیشتر استفاده نمایند. همچنین برای اجرای قوانین پزشکی و دارویی و اعتباربخشی به آن‌ها بیش از پیش به داوری‌های بین‌المللی رجوع نمایند؛

۵- نهادهای بین‌المللی مؤثر در زمینه یکسان‌سازی برای کاستن از موضع‌گیری دولت‌ها باید از تلفیق و تکرار راهکارهای نظام‌های حقوقی مختلف چشم‌پوشی کنند، زیرا هرچه قواعد وابستگی کمتری به نظام‌های ملی داشته و برگرفته از بازرگانی فراملی باشند، با استقبال بیشتری رو به رو خواهند شد؛

۶- علیرغم مشابهت‌های فراوان بین حقوق ایران و کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، برخی ضمانت‌اجراهایی در کنوانسیون مشاهده می‌شود که در حقوق ایران وجود ندارد، با اینکه پذیرش آن‌ها نیز با مبانی فقهی و حقوقی ایران در تعارض و تضاد نمی‌باشد، وجود تفاوت میان سیستم حقوق ایران و

References

1. Akhlaqi B, Emami F. Principles of international commercial contracts. 3rd ed. Tehran: Shahr-e Danesh Publications; 2016. [Persian]
2. Arfania B. Private international law. 5th ed. Tehran: Aqiq Publications; 2015. [Persian]
3. Eskini R. Selected topics in international trade law. 23th ed. Tehran: Nashr-e Danesh Publications; 2012. [Persian]
4. Schmitthoff C. International trade law. Translated by Akhlaqi B, Esbaqi Namini M, Emami F, Bagheri M, Tabibi Farda M. Tehran: Samt Publications; 2014. [Persian]
5. Habibi M. Interpretation of international commercial contracts. 2nd ed. Tehran: Mizan Publications; 2013. [Persian]
6. Khazaei H. Introduction to domestic and international commercial law. Tehran: Jangal Publications; 2019. [Persian]
7. Darabpour M. International sale of goods law. 3d ed. Tehran: Ganj-e Danesh Publications; 2015. [Persian]
8. Dupuy PM. Theoretical discussions in the era of globalization: Pluralism of international law. Translated by Zamani Q, Shahbazi A. Tehran: Shahr-e Danesh Publications; 2020. [Persian]
9. Saljooqi M. Essentials of private international law. 9th ed. Tehran: Mizan Publications; 2019. [Persian]
10. Shapira J. International business law. Translated by Eskiti V. Tehran: Islamic Revolution Education Publishing; 2019. [Persian]
11. Shoarian A, Torabi A. Principles of European contract law and Iranian law: A comparative study. Tehran: Foroozesh Publications; 2010. [Persian]
12. Shiravi A. Comparative law. 11th ed. Tehran: Samt Publications; 2017. [Persian]
13. Shiravi A. International trade law. 7th ed. Tehran: Samt Publications; 2015. [Persian]
14. Safaee H, Adel M, Kazemi M. International sale of goods law: A comparative study. Tehran: University of Tehran Press; 2017. [Persian]
15. Taram-Sari M. International commercial law. 9th ed. Tehran: Commercial Printing and Publishing; 2015. [Persian]
16. Talaei F. Law of international organizations. Tehran: Jangal Javedaneh Publications; 2012. [Persian]
17. Erfani M. Comparative law. 10th ed. Tehran: Jangal Publications; 2011. [Persian]
18. Falsafi H. Law of treaties. Tehran: Nashr-e No Publications; 2013. [Persian]
19. Kashar A. International trade law. Translated by Rezaei R. Tehran: Mehr-o-Mah-e No Publications; 2011. [Persian]
20. Kadkhodaei A. Structure and law of the European Union. Tehran: Mizan Publications; 2011. [Persian]
21. Karimi-Nia M. Private international law. 2nd ed. Tehran: Fazel Publications; 2019. [Persian]
22. Dehkhoda AA. Dehkhoda Dictionary. 4th ed. Tehran: University of Tehran Press; 2016. [Persian]
23. Langroudi J. Legal Terminology. 18th ed. Tehran: Ganj-e Danesh Publications; 2017. [Persian]
24. Almasi N. Conflict of Laws in Medical and Pharmaceutical Matters. Tehran: University Publishing Center; 2020. [Persian]
25. Mojtahedi M. Studies in Public International Law. 1st ed. Tabriz: Foroozesh Publications; 2017. [Persian]
26. Madani J. Private International Law. 4th ed. Tehran: Jangal Publications; 2017. [Persian]
27. Nasiri M. Private International Law. 18th ed. Tehran: Agah Publications; 2018. [Persian]